روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

# روزنامه شرق

سه‌شنبه ۲ بهمن ۱۴۰۳ • ۲۰ رجب ۱۴۴۶ • ۲۱ ژانویه ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۳۱ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۶ • اذان مغرب ۱۷:۴۰ • اذان صبح فردا ۵:۴۳ • طلوع آفتاب ۷:۱۱

رزمایش مدیریت بحران الی بیت‌المقدس با حضور تمامی ادارات عضو، دستگاه‌های امداد و نجات و خدمات‌رسان در سنندج برگزار شد. عکس: بختیار صمدی، فارس

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

# قانون حجاب و گمشده نظام حقوقی-سیاسی ایران

مرتضی سعیدی پَلمی
پژوهشگر دکترای حقوق عمومی دانشگاه تهران

این روزها با تصویب قانون معروف به قانون حجاب، موضوع از جنبه‌های گوناگونی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. از دیدگاه حقوقی-سیاسی و در یک نگاه کلی‌تر، پرسش بنیادین درباره این موضوع این است که اگر مجلس قانونی تصویب کند و شورای نگهبان نیز به هر دلیل آن را تأیید کند اما به اعتقاد اکثریت حقوق‌دانان یا شهروندان قانون مذکور برخلاف قانون اساسی باشد، آیا در نظام حقوقی-سیاسی ما راهکاری حقوقی برای مقابله با چنین قانونی وجود دارد یا خیر؟ پاسخ این پرسش در چارچوب یکی از موضوعات کلیدی حقوق عمومی زیر عنوان «نظارت قضائی اساسی یا دادرسی اساسی» (Constitutional Judicial Review) قرار می‌گیرد. دادرسی اساسی به‌طور کوتاه به معنی «نظارت قضائی بر انطباق قوانین با قانون اساسی و شناسایی حق دادخواهی و شکایت شهروندان در برابر قوانین مجلس در یک مرجع قضائی مستقل و بی‌طرف به دلیل مخالفت با قانون اساسی» است. فلسفه دادرسی اساسی این است که اگرچه نمایندگان مردم در پارلمان حق وضع قوانینی به نمایندگی از آنان را دارند اما از آنجایی که انتخابات امری سیاسی است و تقریبا در تمام دنیا خطرات گوناگونی مانند دستکاری انتخابات (Election Manipulation) یا چینش نامزدها، پوپولیسم، توده‌گرایی و در نتیجه ورود افراد غیرمتخصص به پارلمان و... دموکراسی نمایندگی را تهدید می‌کند، ممکن است افرادی که به پارلمان راه پیدا می‌کنند، خواسته یا ناخواسته ترجیحات و اولویت‌های شهروندان را دنبال نکرده و قوانینی وضع کنند که ناقض حق‌های آنها در قانون اساسی باشد. بنابراین، ازجمله کارکردهای دادرسی اساسی، تضمین «اصل برتری قانون اساسی» به‌عنوان «قانون عالی و برتر سرزمین» و اصل حاکمیت قانون، تضمین رعایت حق‌های اساسی شهروندان، جبران برخی از نواقص دموکراسی نمایندگی و خطرات ناشی از آن و همچنین «پویا و زنده‌کردن قانون اساسی» به‌عنوان موتور محرکه تکامل نظام سیاسی و خروج آن از ایستایی و رکود و البته سازگارکردن قانون اساسی با ارزش‌های در حال تغییر جامعه است.

## دادرسی اساسی در سایر کشورها

امروزه الگوی رایج نظام دادرسی اساسی در دنیا، دادرسی اساسی قضائی است به این معنی که نظارت بر انطباق قوانین و مقررات با قانون اساسی و همچنین مرجع شکایت شهروندان علیه قوانین به علت مخالفت با قانون اساسی، یک مرجع قضائی است. دادرسی اساسی قضائی خود دو گونه است: «دادرسی قضائی متمرکز یا مدل اروپایی» که مبتکر آن هانس کلسن، حقوق‌دان مشهور اتریشی بوده و در این مدل، دادرسی اساسی توسط یک دادگاه عالی ویژه معمولا به نام «دادگاه قانون اساسی» صورت می‌گیرد. حدود ۸۵ کشور دنیا ازجمله بیشتر کشورهای اروپایی مانند آلمان، ایتالیا، اتریش، روسیه، اسپانیا، پرتغال و همچنین ترکیه، کره‌جنوبی، کلمبیا و تایوان از این مدل پیروی می‌کنند. گونه دیگر دادرسی اساسی قضائی، «دادرسی اساسی قضائی غیرمتمرکز یا مدل آمریکایی» است که ایده آن را جان مارشال، قاضی سابق دیوان عالی آمریکا مطرح کرده و در این مدل، همه دادگاه‌های کشور اعم از عادی و عالی از صلاحیت دادرسی اساسی برخوردارند. کشورهای آمریکا، انگلیس، استرالیا، مالزی، هند، ژاپن، کانادا و فیلیپین از این الگو پیروی می‌کنند. البته در برخی از دیگر کشورها مانند فرانسه، نظام دادرسی اساسی در اختیار یک نهاد ویژه سیاسی-حقوقی به نام «شورای قانون اساسی» است. با وجود تفاوت‌های شکلی، از نظر ماهوی و عملکردی نظام دادرسی اساسی در فرانسه با کشورهای دارای نظام دادرسی اساسی قضائی تفاوت چندانی ندارد و ازجمله حق دادخواهی شهروندان علیه قوانین پارلمان نیز تضمین شده و ممکن است قانونی پس از تصویب در پارلمان در مرحله اجرا به علت خلاف قانون اساسی بودن و در پی شکایت شهروندان توسط شورای قانون اساسی باطل اعلام شود.

## قانون اساسی ایران، دادرسی اساسی و آنچه هست؛ آیا شورای نگهبان دادرس اساسی است؟

در نظام حقوق اساسی ایران، بر اساس اصول ۹۱ الی ۹۹ قانون اساسی، همه مصوبات مجلس به صورت پیشینی الزاما باید جهت بررسی عدم مغایرت آنها با قانون اساسی و موازین شرعی به شورای نگهبان ارسال شوند و شورای مذکور مکلف است ظرف ۱۰ روز در این خصوص اظهارنظر کند. مصوبات مجلس پس از تأیید شورای نگهبان عنوان قانونی به خود گرفته و لازم‌الاجرا می‌شوند. با این توضیحات از ظاهر چنین برمی‌آید که نظام دادرسی اساسی خاصی نیز در قانون اساسی ما پیش‌بینی شده و از این‌رو مشکلی وجود ندارد. بر همین مبنا نیز تقریبا همه حقوق‌دانان ایران نظام دادرسی اساسی ایران را پیرو نظام دادرسی اساسی مدل فرانسوی می‌دانند. با وجود این، در دادرس اساسی نامیدن شورای نگهبان تردید جدی وجود دارد یا حداقل باید گفت نظام دادرسی اساسی ایران نسبت به الگوی مشابه خود در فرانسه یک نوع «تقلید ناقص» بوده و دارای اشکالات بنیادی است. شورای نگهبان هم از نظر شکلی و ساختاری و هم از نظر ماهوی و عملکردی تفاوت‌های کلیدی با شورای قانون اساسی فرانسه دارد. مهم‌ترین مؤلفه‌ای که همه نظام‌های دادرسی اساسی اعم از قضائی و غیرقضائی از آن برخوردارند و در نظام حقوق اساسی ما مفقود است، «نظارت پسینی دادرس اساسی بر قوانین و حق دادخواهی شهروندان علیه قوانین مجلس به علت مخالفت آنها با قانون اساسی است». از نظر حقوقی، دادرس مرجع دادخواهی است و نهادهای ناظر بر قانون اساسی به این دلیل «دادرس اساسی» نامیده می‌شوند که امکان دادخواهی شهروندان علیه قوانین و مقررات به جهت مخالفت با قانون اساسی در آنها امکان‌پذیر است. بنابراین، در حالت کنونی که مردم ایران حق شکایت علیه قوانین مجلس در شورای نگهبان را ندارند، دادرس اساسی نامیدن شورای مذکور از دیدگاه حقوقی محل تردید و اشکال بوده و از این‌رو، نظام حقوقی-سیاسی ایران فاقد یک نظام دادرسی اساسی مناسب است.

## قانون اساسی ایران و دادرسی اساسی؛ آنچه باید باشد

همان‌گونه که بیان شد، در مقررات قانون اساسی کنونی اگرچه در اصل ۳۴ قانون اساسی بر حق دادخواهی شهروندان به‌عنوان یک حق مسلم و مطلق تصریح شده و حق شکایت علیه مقررات اداری نیز در اصل ۱۷۳ بیان شده، با وجود این، حق دادخواهی شهروندان یا حتی امکان اعتراض نهادها و قوای دیگر نسبت به قوانین مجلس پیش‌بینی نشده است. در چنین حالتی، معمولا راهکار روشن پیشنهادی اصلاح و بازنگری قانون اساسی است. اما با توجه به اینکه اصلاح قانون اساسی فرایند چندان ساده‌ای نیست و در کشور ما نیز به دلایل نامعلومی در مقابل ایده بازنگری در قانون اساسی مقاومت می‌شود، شورای نگهبان می‌توانست (و می‌بایست) با تفسیر برخی از اصول قانون اساسی ازجمله اصول ۳۴، ۷۲، ۹۱ تا ۹۹ و همچنین اصل ۱۷۳ قانون اساسی در راستای توسعه حقوق اساسی و پویایی و تکامل نظام حقوقی-سیاسی کشور، حق دادخواهی شهروندان علیه قوانین مجلس در خود شورای نگهبان یا حتی مراجع قضائی را پیش‌بینی کند. چنین تفسیری مخالف قانون اساسی نیست؛ زیرا در قانون اساسی و حتی قوانین عادی نیز منعی برای شکایت علیه قوانین مجلس پیش‌بینی نشده است. در وضعیتی مشابه و در کشور آمریکا نیز با وجود اینکه در قانون اساسی آن کشور صلاحیت نظارت قضائی بر قوانین کنگره برای دیوان عالی پیش‌بینی نشده بود، در سال ۱۸۰۴ و در پرونده ماربری علیه مدیسون دیوان عالی آمریکا چنین صلاحیتی را برای خود تفسیر کرده و قانون کنگره را خلاف قانون اساسی (Unconstitutional) و باطل اعلام کرد. چنین رویه‌ای از آن تاریخ تاکنون در کشور آمریکا ادامه داشته و به عقیده صاحب‌نظران حقوقی و سیاسی، رمز پویایی و تکامل نظام حقوقی-سیاسی کشور آمریکا در همین نظارت قضائی دیوان عالی کشور است. در پایان لازم به یادآوری است که متأسفانه نه‌تنها دادرسی اساسی به معنی حق دادخواهی شهروندان علیه قوانین مجلس در کشور ما شناسایی نشده، بلکه دادرسی اداری به معنی حق دادخواهی شهروندان علیه مقررات دولتی که در اصل ۱۷۳ قانون اساسی به آن تصریح شده نیز با برخی نظریات تفسیری شورای نگهبان و همچنین برخی قوانین مجلس ازجمله قانون دیوان عدالت اداری اصلاحی ۱۴۰۲ محدود و تضعیف شده است. اگر شهروندان حق شکایت و دادخواهی علیه قوانین مجلس را داشتند، این امکان وجود داشت که بتوان از این راه چنین قوانینی را که مخالف قانون اساسی هستند، ابطال و حق‌های اساسی مردم را تضمین کرد. افزون بر این، یکی از مهم‌ترین عوامل پویایی و تکامل نظام حقوقی-سیاسی و توسعه حقوق اساسی همین حق دادخواهی شهروندان در برابر قوانین و مقررات دولتی است که امید است با اصلاح قوانین یا ارائه نظریات تفسیری حق‌مدارانه از سوی شورای نگهبان چنین امکانی فراهم شود.

روزمره‌خوانی

## مراقب خانواده‌هایمان باشیم

داود اسماعیلی
مدرس دانشگاه

در حوزه کارکرد کیفی روابط خانواده بر اساس نظریه‌های سیستمی و ساختاری خانواده‌درمانی، حدها، حریم‌ها، مرزها و سلسله‌مراتب، چنانچه در خانواده وجود داشته باشد، هر فرد فعال و هدفمندی می‌تواند تکالیف و نقش‌های اصلی خود را در جهت رشد و شکوفایی و رسیدن به «سبک زندگی سالم» یا همان «خانواده بالنده و متعالی» انجام داده و تک‌تک اعضا احساس شادکامی و رضایتمندی از حضور در چنین ساختاری داشته باشند.

بر اساس آموزش‌های «مهارت‌های زندگی» که در سال ۱۹۹۴ توسط سازمان بهداشت جهانی (WHO) به‌عنوان «قاعده آمره» برای پیشگیری از آسیب و رسیدن به رشد و پیشرفت و رضایتمندی تدوین و ابلاغ شده است، می‌بایست در دوره‌های پیش، حین و پس از ازدواج، زوجین تحت آموزش‌های منظم قرار گیرند. پیش‌بینی شده نتیجه مهارت‌های فوق‌الذکر، روابط همدلانه، صمیمانه و حامیانه‌تر تک‌تک اعضای خانواده و ایجاد حس مفیدبودن و خودابرازی و افزایش اعتمادبه‌نفس (خودتوانمندی) و عزت نفس (خودارزشمندی) باشد.

در دهه‌های اخیر اکثر کشورهای در حال توسعه با معضل افزایش طلاق در حوزه آسیب‌های اجتماعی مواجه بوده و اثرات مخربی را درخصوص رشد بزه‌های اجتماعی تجربه می‌کنند.

مشکلاتی از قبیل افسردگی، آمار بالای خودکشی و سوءمصرف مواد مخدر ازجمله این معضلات و آسیب‌های خانواده و جوامع هستند که تأکید بر پیشگیری در دوران اولیه خصوصا دو سال اول ازدواج می‌تواند بسیار مؤثر و مفید باشد و از به‌وجودآمدن فرزندان طلاق ممانعت به عمل آورده و شاهد نرخ بالای اختلالات شخصیت و مشکلات روان‌شناختی و بیماری‌های رفتاری نباشیم. با ایجاد انگیزه از سوی متولیان حوزه سلامت روان در زوجین و شرکت مستمر در کارگاه‌های مهارت‌افزایی، رسیدن به آرمان‌شهر و مدینه فاضله دور از ذهن نبوده و راه رسیدن به جامعه و خانواده‌های سالم و پویا تسهیل می‌شود. حضور در مشاوره‌های پیش از ازدواج بر اساس تحقیقات روان‌شناسان اجتماعی توجه به نیازهای اولیه و اساسی و اهمیت به رشد و خودشکوفایی را افزایش داده و دو متغیر «سلامت شخصیت» و «تناسب شخصیت» زوجین مورد تشخیص، سنجش و ارزیابی توسط مشاوران خانواده قرار گرفته و چنانچه اختلالاتی مشاهده شود، با ارجاع به روان‌درمانگران از فجایع رفتارهای پرخاشگرانه و خودآسیب‌رسان و دیگرآسیب‌رسان در زندگی مشترک پیشگیری می‌شود. مهارت‌های زندگی که شامل خودآگاهی، ارتباط مؤثر، کنترل هیجانات، تصمیم‌گیری، حل مسئله و... هستند، نقاط کور و تاریک شخصیت را روشن کرده و بر یادگیری هوش هیجانی (EQ) تأکید داشته که مدیریت افکار، احساس و رفتار، «قدرت انطباق و سازگاری» و «درک متقابل» و «همدلی» را در افراد به وجود می‌آورد. حمایت، اهمیت و محبت ثمره خانواده بالنده و متعالی خواهد بود و صدالبته چنانچه این نیازها مغفول مانده و از آنها چشم‌پوشی شود، روابط سرد، خشم کلامی و در نهایت رفتاری جایگزین می‌شود و فرد به دنبال تأمین عشق و محبت در بیرون از حریم زندگی زوجی مشترک خواهد بود.

باید در نظر داشت پس از دو سال اول ازدواج بیشترین تعارضات در زندگی زوجین جوان به واسطه تفاوت‌های فردی و سبک زندگی در خانواده اصلی، خود را نشان داده و نیاز به «غنی‌سازی ازدواج» از طریق آموزش، توسط مشاوران خانواده هست. از سوی دیگر، برای حفظ «ثبات» خانواده، یادگیری و مطالعه مستمر کتاب‌های مهارت‌های فردی و بین‌فردی، خودمدیریتی، خودمراقبتی و دیگرمراقبتی، داشتن یک برنامه مدون و نقشه راه در تربیت فرزندان (مهارت فرزندپروری موفق) و ایجاد نسلی شاد، سالم و کارآمد از سوی جامعه‌شناسان و روان‌شناسان حوزه خانواده مطرح می‌شود.

شبکه‌خوانی

## از ترامپ چه می‌خواهند؟

دیشب مراسم تحلیف دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا برگزار شد. رسانه‌های مختلف جهان به استقبال این مراسم رفتند. پیش از آن تایم با انتشار عکس ترامپ نوشت «او بازگشت» و اشپیگل هم با تیتر «بازگشت امپراتور» به استقبال ترامپ رفت. این در حالی است که اشپیگل، در دوره پیشین ریاست‌جمهوری ترامپ، بیشترین انتقادات را به سوی او روانه کرد و ترامپ را عامل برهم‌زدن نظم جهان خواند که آزادی را به مسلخ برده است. آغاز آتش‌بس در غزه، افزایش قیمت بیت‌کوین و... از مواردی بود که نشان می‌داد قرار است از ترامپ استقبال شود. سخنان او در همین ۲۴ ساعت گذشته ابعاد گسترده‌ای پیدا کرده است. در این سوی جهان نیز کاربران در موضوعات مختلفی به او و حضور دوباره‌اش پرداخته‌اند. انتشار فرامین چندگانه او از مقابله با مهاجران تا بخشش مجرمان حمله به کنگره و... آغازی بود بر دور دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ که به‌طور رسمی از دیروز آغاز شد. از زمان انتخاب او به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا تاکنون، ایرانیان راجع به او بحث کرده و درباره او گفته‌اند.

بررسی داده‌های منتشرشده حاوی کلیدواژه ترامپ در دو ماه اخیر، یعنی ماه‌های آذر و دی، احتمالا تصویری از رویکرد و نگاه ایرانیان به ترامپ را مشخص کند. جست‌وجوهای گوگل در این بازه زمانی نشان می‌دهد که در این مدت مباحثی مانند ایران و «نحوه مواجهه پزشکیان با او»، «نرخ ارز»، «سوریه و به قدرت رسیدن جولانی» و «تحلیف ترامپ» ازجمله موضوعاتی است که درباره ترامپ جست‌وجو شده است. از ابتدای آذرماه، حدود ۴۸۵ هزار نشر و بازنشر با کلیدواژه ترامپ منتشر شده که این توییت‌ها حدود چهار میلیون لایک و ۱۲۸ میلیون بازدید دریافت کرده است و بیش از ۴۰ هزار کاربر در تولید این محتوا مشارکت داشته‌اند. همچنین ۳۰ درصد نوشته‌های کاربران متعلق به کاربران انقلابی و اصولگراست. این کاربران ضمن تحلیل مواضع و رویکردهای ترامپ، ازجمله سیاست‌های او در قبال کانادا، در نفی هرگونه مذاکره با ترامپ توییت زده‌اند. در میان نوشته‌های این کاربران، چندان به آتش‌بس در غزه و نسبت آن با بازگشت ترامپ به قدرت پرداخته نشده است.

کاربران میانه‌رو و اصلاح‌طلب که ۱۷ درصد از شبکه را به خود اختصاص داده‌اند، طیف متنوعی از مواضع را در قبال ترامپ داشته‌اند. آنها در توییت‌های خود ضمن هشدار بابت بازگشت ترامپ، از پیگیری موضوعاتی نظیر لایحه عفاف‌وحجاب انتقاد کرده‌اند، تحلیل‌هایی راجع به سقوط دولت بشار اسد و بازگشت ترامپ نوشته، به افزایش نرخ ارز با بازگشت ترامپ اشاره کرده و بر موضوع مذاکره با آمریکا تأکید کرده‌اند. نکته درخور توجه دیگر، حضور فعالان حوزه رمزارز است که به تحلیل وضعیت رمزارزها با حضور ترامپ در قدرت پرداخته‌اند. این کاربران سه درصد از شبکه را به خود اختصاص داده‌اند. مجموع این داده‌ها نشان می‌دهد نگاه کاربران شبکه‌های اجتماعی و فعالان سیاسی درباره بازگشت ترامپ به قدرت، بسیار متنوع است. در این میان موضوع نرخ ارز و افزایش قیمت دلار، تحولات سوریه، رویکرد سخت‌گیرانه ترامپ علیه ایران و امیدواری برانداز به آن، رویکرد ترامپ در مواجهه با کانادا و کشورهای اروپا و مسئله مذاکره، ازجمله مضامین اصلی در توییت‌ها و جست‌وجوهای گوگل است.

### ۲۱ درصد

بنا بر اعلام مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، تحقیقات نشان‌دهنده این است که «ویروس‌های آنفلوانزا» با ۲۱ درصد در رأس ویروس‌های در گردش قرار دارند و پس از آن، «ویروس‌های خانواده کروناویروس» با ۶.۷ درصد در جایگاه دوم و RSV با ۵.۹ درصد در رتبه سوم قرار دارند. همچنین «رینوویروس‌ها» نیز با پنج درصد، جایگاه چهارم ویروس‌های تنفسی در گردش را از آن خود کرده است. همچنین اعلام شد که متاپنوموویروس، ویروس جدیدی نیست و ۲۰۰ ویروس، عامل سرماخوردگی هستند.

### ۵۰ درصد

رئیس کانون دانش‌آموختگان اقتصاد گفت: «ما باید بتوانیم مشکلاتی را که در روابط بین‌الملل داریم حل کنیم. در حال حاضر اقتصاد ما با فشار سنگین تحریم‌ها دست و پنجه نرم می‌کند و بالاترین آسیب هم به طبقات ضعیف جامعه وارد شده و می‌شود». بهنام ملکی گفت: «باید توجه کنیم که ۵۰ درصد مشکلات اقتصادی ما ناشی از تحریم و عوامل خارجی است و ۵۰ درصد به مسائل داخلی برمی‌گردد. این‌طور نیست که مسائل خارجی را حل کنیم و چالش‌های داخلی خودبه‌خود حل شود بلکه باید به موازات یکدیگر پیش برود».

### ۶ نقطه

رئیس مرکز عملیات سازمان اطلاعات پلیس تهران بزرگ از دستگیری متهمان قمه‌کشی در بیمارستان لقمان در شش نقطه مختلف تهران خبر داد. سرهنگ راستی در توضیحاتی اضافه کرد: بر اساس مستنداتی که من در اختیار دارم، آنها با قمه درگیر می‌شوند و وضعیت امنیتی بیمارستان را به هم می‌ریزند و سپس از محل متواری می‌شوند. طی عملیات تعقیب و گریز که ما داشتیم، این افراد در پنج یا شش نقطه مختلف تهران و خارج از تهران شناسایی و دستگیر شدند. هر شش نفر به جرائم ارتکابی‌شان که شرارت است، اعتراف کردند.

اتفاق‌خوانی

## صلح و عشق برای لینچ

فرزندان دیوید لینچ راه متفاوتی برای وداع با او پیشنهاد کرده‌اند. دیوید لینچ، کارگردان بزرگ سینمای جهان، در تاریخ ۱۶ ژانویه ۲۰۲۵ در ۷۸سالگی بر اثر بیماری ریوی درگذشت. خانواده او معتقدند بیماری او بر اثر عوارض ناشی از آتش‌سوزی نزدیک خانه‌اش شدت گرفته و سبب فوت او شده است. درحال‌حاضر هالیوود سوگوار این فقدان است. مراسم خاکسپاری او به صورت خصوصی و با حضور خانواده و دوستان نزدیک برگزار شد. حالا فرزندان دیوید لینچ پیشنهادی برای ادای احترام به او مطرح کردند و از مردم خواسته‌اند تا در یک «مدیتیشن گروهی در سراسر جهان» شرکت کنند؛ برنامه‌ای که برای تجلیل از یاد و خاطره این کارگردان شهیر در آستانه تولد ۷۹سالگی او است. چهار فرزند او -جنیفر، آستین، رایلی و لولا لینچ- این پیشنهاد را داده‌اند و در بیانیه‌ای خانوادگی که در ایکس به اشتراک گذاشته شده است، نوشته‌اند: «دیوید لینچ، پدر محبوب ما، چراغ راهنمای خلاقیت، عشق و صلح بود. در روز دوشنبه ۲۰ ژانویه از همه شما دعوت می‌کنیم که به مدیتیشن گروهی بپیوندید. این برنامه در سراسر جهان در ساعت ۱۲ ظهر به وقت محلی به مدت ۱۰ دقیقه برگزار می‌شود». در بیانیه این خانواده آمده است: «بیایید در هر کجا که هستیم، دور هم جمع شویم تا با گسترش صلح و عشق در سراسر جهان به میراث او احترام بگذاریم. لطفا این زمان را به مدیتیشن، تأمل و ارسال مثبت به جهان هستی اختصاص دهید. از اینکه بخشی از جشن زندگی او باشید، سپاسگزاریم».

یکی از روزنامه‌نگاران نیویورک‌تایمز که در طول سال‌ها با «دیوید لینچ» بارها گفت‌وگو کرده، درباره نگاه او به مدیتیشن مطلبی را منتشر کرد. او نوشت: «تجربه من در جنبش مدیتیشن در دهه ۱۹۸۰ خوشایند نبود، اما گفت‌وگوی پرتنشی که بعدا با لینچ داشتم، برایم روشنگر بود. در یک صبح تابستانی در سال ۲۰۱۲، من در صندلی عقب یک لیموزین با دیوید لینچ ۶۶ساله گفت‌وگو می‌کردم. او آن روزها به‌عنوان یک مُبلغ تمرین مراقبه مطرح بود. لینچ در اوایل دهه ۱۹۷۰، یکی از کسانی بود که به امواج خروشان آمریکایی‌ها طرفدار تفکرات «گورو» پیوسته بود. لینچ بارها اولین برخوردش را تعریف کرده بود، همان تکنیکی که ماهاریشی ماهش یوگی، اجرا کرد. او به لینچ گفته بود: «شما راحت روی این صندلی بنشینید، چشمان‌تان را ببندید، به مانترا گوش کنید. ۲۰ دقیقه دیگر برمی‌گردم». لینچ توصیف می‌کند: «انگار در آسانسور بودم، کابل‌ها قطع شده بود، اما من سعادت زیادی را حس می‌کردم. نمی‌توانستم آن را باور کنم». پس از آن لینچ دو بار در روز شروع به تمرین کرد و از نظرش مراقبه دلیل بقای او به‌عنوان یک هنرمند در هالیوود بود. لینچ به خبرنگار گفت: «وقتی که در سال ۱۹۸۴ فیلمم اکران شد، اگر مدیتیشن نمی‌کردم، احتمالا خودکشی می‌کردم. وقتی شادی را در درون خود به وجود آورید، می‌توانید برخی چیزهای سنگین را تحمل کنید، وگرنه ممکن است زمین بخورید».

به گفته لینچ، برای چندین دهه، مدیتیشن برای او یک امر خصوصی بود. او هر بار جمع را ترک می‌کرد و به قول خودش بی‌سروصدا درگیر «غواصی در درون» می‌شد. اگر مردم دراین‌باره از او می‌پرسیدند، او تجربه‌اش را به اشتراک می‌گذاشت و حتی گاهی برای یادگیری یک دوست هزینه می‌کرد. سال‌ها بعد او زندگی خود را در لس‌آنجلس ساخت؛ جایی که فیلم‌های شگفت‌انگیز ساخت، موسیقی ضبط کرد، عکس گرفت و نقاشی کرد، چند بار ازدواج کرد و طلاق گرفت، بچه‌دار شد و سیگارش را دود کرد.

اما در سال ۲۰۰۲ اتفاقی افتاد، او برای یک تجربه منحصربه‌فرد و گران‌قیمت به اروپا سفر کرد؛ برای دوره روشنگری. ماهاریشی که سال‌ها به‌سختی در انظار عمومی دیده می‌شد، به مراقبان قدیمی و منتخب این فرصت را می‌داد که یک میلیون دلار برای گذراندن یک ماه با او بپردازند؛ با وعده آگاهی جدید. لینچ به هلند رفت، به‌تازگی فیلم‌برداری جاده مالهالند را تمام کرده بود. اما وقتی فهمید امکان ارتباط فیزیکی با یوگی وجود ندارد، ناامید شد. لینچ به یاد می‌آورد: «مانند همه کارهایی که ماهاریشی انجام داد، غیبت او منطقی بود. او همان‌جا بود، درست بالای سر ما بود، اما از طریق تلویزیون». برای لینچ، این دیدار با ماهاریشی متحول‌کننده بود. او با یک هدف جدید آن جمع را ترک کرد؛ او می‌خواست به جهان برای انجام مراقبه کمک کند. او به خبرنگار گفت: «ذره‌ای به روشنگری اهمیت ندادم. من فقط مردم را دوست داشتم. برایم مهم نبود که روشنفکر شوم یا نه. وقتی برگشتم، فقط یک آدم متفاوت بودم». حالا خانواده «دیوید لینچ» این خواسته او را پیگیری می‌کنند.